

Develop a Model for the Participation of Institutions and Institutions with the Formal and Public Education System (A Meta-Synthesis Study)

Ali Rashidi^{1*}, mohammad Hossein Rahmati², Hossein Khanifar³, Nahid Naderi⁴

1. Ph.D. Educational Management, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

2. Assistant Professor, Department of Public Management, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Tehran

3. Professor, Department of Educational Management, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

4. Assistant Professor, Department of Educational Management, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: March 17, 2021; Accepted: May 26, 2021)

Abstract

Today, the issue of education in the world has become an important issue for sustainable development. In the meantime; experts consider the main axis of this development to be the continuous participation of organizations and institutions with education. The purpose of this study was to identify the pattern of participation of organizations and institutions with the country's education system. The present study was a developmental research in terms of purpose and a qualitative research in terms of research design. In this study, the Meta-synthesis method was used to integrate the studies and create comprehensive and interpretive findings. In this study, Persian and Latin articles and books related to the field of education, especially participation in education, were selected and reviewed between 2000 and 2020. After summarizing and reviewing 29 articles, they were analyzed. Finally, the results of the analysis, after examining the primary and secondary categories, identified 10 general methods of participation in education including: Participation in technology development, Participation in research and development, Participation in human resources, Participation in relation to the environment, Participation in evaluation, Participation in implementation, Participation in planning, Participation in Accountability, Financial partnership, Information participation. Therefore, according to the dimensions identified in the present study, it is necessary for managers and officials in each organization to identify how they participate in education and thus play their part in this organization.

Keywords: Education system, Financial participation, Formal education system, Participation.

* **Corresponding Author, Email:** ali.rashidi541370@ut.ac.ir

تدوین الگوی مشارکت دستگاهها و نهادها با نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (مطالعه‌ای به روش فراترکیب)

علی رشیدی^{۱*}، محمدحسین رحمتی^۲، حسین خنیفر^۳، ناهید نادری^۴

۱. دکتری مدیریت آموزشی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

۳. استاد، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

۴. استادیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵)

چکیده

امروزه موضوع آموزش و پرورش در دنیا به یک بحث مهم برای توسعه پایدار تبدیل شده است و در این میان صاحب‌نظران محور اصلی این توسعه را مشارکت مستمر سازمان‌ها و نهادها با آموزش و پرورش می‌دانند. هدف از این پژوهش شناسایی الگوی مشارکت سازمان‌ها و نهادهای با نظام تعلیم و تربیت کشور بود. پژوهش حاضر از دید هدف در زمره تحقیقات توسعه‌ای و از دید طرح پژوهش جزء طرح‌های پژوهش کیفی بود. در این مطالعه از روش فراترکیب برای یکپارچه‌سازی مطالعات و ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری استفاده شد. در این تحقیق مقالات و کتب داخلی و خارجی مرتبط با حوزه تعلیم و تربیت و به‌خصوص مشارکت در تعلیم و تربیت، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ انتخاب و بررسی شدند که پس از جمع‌بندی و بررسی کلی ۲۹ مقاله تحلیل شد. در نهایت، نتایج تجزیه و تحلیل پس از بررسی مقولات اولیه و ثانویه ۹ شیوه کلی مشارکت در آموزش و پرورش را شناسایی کرد که شامل مشارکت در توسعه تکنولوژی، مشارکت تحقیق و توسعه، مشارکت در منابع انسانی، مشارکت در ارزشیابی، مشارکت در پیاده‌سازی، مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در پاسخگویی، مشارکت مالی، و مشارکت اطلاعاتی بود. بنابراین، با توجه به ابعاد شناسایی شده در تحقیق حاضر باید مدیران و مسئولان در هر سازمان، نحوه مشارکت خود را در آموزش و پرورش شناسایی کرده و با این کار سهم مشارکت خود در این سازمان را ایفا کنند.

واژگان کلیدی: مشارکت مالی، مشارکت، نظام تعلیم و تربیت رسمی، نظام تعلیم و تربیت.

مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهمترین سازمان‌های مؤثر در تغییرات آینده کشورها وظیفه انتقال فرهنگ و تجارب بشری به نسل جدید، ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت‌ها، نگرش‌ها و رفتار افراد جامعه را بر عهده دارد (کواچویچ، موجکیک و کاپو^۱، ۲۰۲۰). این نهاد، محور اساسی و گام اول برای دستیابی به یک پیشرفت سالم و پایدار و همه‌جانبه است و می‌تواند اهمیت بسزایی در روشن کردن چشم‌اندازها و دورنماهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آینده جوامع داشته باشد (فاطمی امین و فاطمی امین، ۱۳۹۴). به نحوی که امروزه آموزش و پرورش تبدیل به مفیدترین و اثربخش‌ترین شکل سرمایه‌گذاری شده است (زو و لو^۲، ۲۰۲۰).

در دهه اخیر همواره از سوی رهبر انقلاب و مسئولان به این امر اشاره شده است که نظام تعلیم و تربیت نیاز به اصلاح و تغییر دارد به گونه‌ای که امام خمینی در صحیفه نور بیان می‌کنند: «از همه بالاتر همین قضیه آموزش و پرورش و قضیه دانشگاه و قضیه تعلیم و تربیت است که ما در این جهت از همه‌جا، از همه جهات بیشتر، احتیاج داریم که اصلاح شود» (خمینی، ج ۱۰، صحیفه ۸۱)؛ رهبر معظم انقلاب نیز در سخنرانی‌های خود بارها امر تحول و احتیاج به آن در آموزش و پرورش را بیان کرده‌اند.

از دید سازمانی نیز اصلاحات و تغییرات در آغاز قرن بیست و یکم روندها و فرایندهایی را ایجاد کرده است که نیاز به بازنگری‌های اساسی در مدیریت و فراهم کردن سیستم کارآمد جدید در آموزش و پرورش را دوبرابر کرده است (کواچویچ، موجکیک و کاپو، ۲۰۲۰)، چرا که آموزش پرورش نیز به عنوان یک سازمان باید تحولات را درک کرده و پاسخ مناسب و مثبت به آن‌ها بدهد و پاسخگوی تحولات محیطی باشد (هدایتی و خوارزمی، ۱۳۹۵، ص ۴).

از سوی دیگر، سازمان آموزش و پرورش به عنوان مهمترین سازمان که در عصر اطلاعات به عنوان یک استراتژی برای پاسخ به تغییرات و پیشرفت جوامع ایجاد شده است و همچنین، چارچوب آن با کمترین تغییراتی به جوامع دیگر، از جمله کشور ایران، منتقل شده است. بنابراین، از همان ابتدای

1. Kovačević, Mujkić & Kapo
2. Xu & Luo

ورود با فرهنگ‌های بومی ناسازگار و پیامدها و برون‌داده‌ای آن، در پاسخگویی به نیازهای جامعه با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است و افزایش اثربخشی و بهره‌وری آن به انجام تغییر و تحولات خرد و کلان نیاز داشته است (بذرافشان مقدم، شوقی و رحمان‌خواه، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

در همین راستا، با توجه به تأکیدهای مقام معظم رهبری بر چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت و این‌که چهار عرصه به دلیل شرایط و محدوده‌ی زمانی و همچنین، ارتباط مستقیم با فراگیران باید تحت پوشش نظام آموزشی هست، تحول در این نظام را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌کند که این امر با اقدامات مدیریتی محقق نشده است و نیازمند تحول و مهندسی مجدد با رویکرد فرهنگ و ارزش‌های اسلامی است. به همین منظور تحول در نظام آموزشی در دستور کار مسئولان فرهنگی و در رأس آن‌ها شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت (فاطمی امین و فاطمی امین، ۱۳۹۴، ص ۳). سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش در آذرماه سال ۱۳۹۰ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد (رهبری، بلباسی و قربی، ۱۳۹۴، ص ۴۶).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حقیقت، برنامه‌ راهبردی آموزش و پرورش است. این سند شامل بخش‌هایی مانند بیانیه ارزش‌ها (۳۰ مورد)، مأموریت، چشم‌انداز، ۸ هدف کلان، ۱۹ راهبرد کلان و ۲۳ هدف عملیاتی و ۱۳۱ راهکار و در پایان چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

تحول بنیادین در آموزش و پرورش شش زیرنظام (رهبری و مدیریت، برنامه‌ درسی و آموزشی، تأمین فضا، تجهیزات و فناوری، تأمین و ارتقای منابع انسانی، تأمین مالی و تخصیص منابع و پژوهش و ارزشیابی) را دربردارد. هر یک از زیر نظام‌ها ناظر بر بخش‌های مختلفی از حوزه‌های اجرایی آموزش و پرورش است (هاشمی، ۱۳۹۳، ص ۷).

در چند سال اخیر، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از ابعاد متنوعی از جمله تحلیل ساختاری، نقش سازمان‌ها، مبانی نظری، میزان توجه به مسائل مختلف در آن، الزامات مدیریتی و... مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است که جمله این تحقیقات می‌توان آسیب‌شناسی اجرای برنامه‌های سند تحول آموزش (هدایتی و خوارزمی، ۱۳۹۵)؛ نقش رسانه در نظام تربیتی سند تحول (هاشمی، ۱۳۹۳)؛

الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش (نوید ادهم، ۱۳۹۱)؛ مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی (مخبر دزفولی، ۱۳۹۰)؛ بررسی تطبیقی اهداف تربیتی در سند تحول (قمصری و رضانی، ۱۳۹۳)؛ تحلیل ساختار سند تحول (فاطمی امین و فاطمی امین، ۱۳۹۴)؛ عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین (صفار حیدری، حسین‌نژاد، ۱۳۹۳)؛ هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (رهبری، بلباسی و قربی، ۱۳۹۴)؛ تحلیل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر میزان اهمیت به یادگیری سازمانی (پیروانی‌نیا و پیروانی‌نیا، ۱۳۹۲) جایگاه نظارت تعلیماتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (بذرافشان مقدم، شوقی و رحمان‌خواه، ۱۳۹۴) اشاره کرد.

مطالعات نشان می‌دهند بسیاری از مشکلات ساختاری و عملکردی برنامه‌های توسعه ناشی از نارسایی در حوزه مشارکت است. در این میان، این مسأله که مفهوم مشارکت و ابعاد آن در ایران به‌خوبی تعریف نشده است نیز بر مشکلات می‌افزاید، زیرا در ایران خدماتی که دولت ارائه می‌دهد غالباً توسط برنامه‌ریزان در سطوح مرکزی تهیه شده است که آشنایی چندانی با نیازها و ابعاد سازمان مربوطه ندارد (صالحی عمران و حسن‌زاده بارانی کرد، ۱۳۹۴).

در بررسی پیشینه و مطالعات آسیب‌شناسی صورت‌گرفته درباره سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به اختلالات و کم و کاستی‌های مختلف اشاره شده است اما در این بین، نکته‌ای که نباید نادیده گرفت این است که لازمه عملکرد فعالانه آموزش و پرورش به‌عنوان کانون تربیت، مشارکت کلیه عوامل و تصمیم‌گیری جمعی است، وجود یک نظام نیمه‌متمرکز مدیریتی برای تحقق اهداف تربیت رسمی و عمومی، افزایش مشارکت عوامل سهیم و مؤثر در سیاست‌ها و برنامه‌های تربیتی از جمله عوامل مهم است (مرکز مطالعات و پژوهش‌های بنیادی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷).

گزارش نظارت جهانی بر آموزش در سال ۲۰۱۱ حاکی از پیشرفت شایان توجه در اهداف مربوط به آموزش و پرورش بود، اما طی این گزارش یادآوری شده است که بسیاری از مشکلات و چالش‌ها هنوز باقی مانده‌اند که به دلیلی عدم همکاری‌های دوجانبه یا چندجانبه با آموزش و پرورش طی این سال‌ها گزارش شده است که نشان‌دهنده مشارکت محسوس تنها در زمینه‌های سرمایه‌گذاری‌های

مالی با آموزش و پرورش (میکر^۱، ۲۰۱۴)، یا توسعه برنامه‌های فوق برنامه بوده است و شامل همکاری و فرصت‌های مبتنی بر اقدام دوطرفه نبوده است (مونرو و همکاران^۲، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، در حالی که در تئوری تفکر سیستمی، مدل‌های مشارکت و همکاری بین بخشی مورد حمایت و ارزشمندی قرار گرفته است و در طیف وسیعی در سازمان‌های صنعتی مورد توجه قرار گرفته است، اما متأسفانه این روند در آموزش و پرورش بسیار کمتر دیده می‌شود (فالک و همکاران، ۲۰۱۵).

موضوع مشارکت و چگونگی آن در آموزش و پرورش در تاریخ ملت‌ها ریشه دیرینه دارد و هم اکنون اهمیت آن دو برابر شده است، به گونه‌ای که جامعه‌شناسان این مشارکت را محور اساسی توسعه و عاملی مهم در گسترش کمی و کیفی این مقوله دانسته‌اند، آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهمترین سازمان‌های مؤثر در تغییرات آینده کشورها بیش از هر سازمان دیگری به آثار متنوع محیط خارجی وابسته است (کواچویچ، موجکیک و کاپو، ۲۰۲۰).

تجربه‌های تاریخی و جهانی نیز نشان می‌دهد، در کشورهایی که از آموزش و پرورش پیشرفته برخوردارند و مشکلات مادی چندانی هم ندارند، مشارکت دستگاه‌های خارج از آموزش و پرورش با این سازمان روزبه‌روز ضرورت بیشتری می‌یابد (رابرتز^۳، ۲۰۱۸؛ زاهیریویچ-سونوجیک^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). اداره امور مدرسه باید مبتنی بر تصمیم‌گیری مشترک، استقلال نسبی، انعطاف‌پذیری و روش‌های غیر متمرکز و مشارکت‌جویانه باشد تا فضای مدرسه را پویا و پرنشاط و فعال کند از سوی دیگر، سیاست‌های راهبردی آموزش و پرورش بر تمرکززدایی، مدرسه‌محوری و توسعه مشارکت همه‌جانبه است، از طرفی، با توجه به بررسی‌های انجام‌یافته توسط مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأکید بر قرابت نظریه‌های نهادگرایی با الگوی مطلوب توسعه در کشور، آرایش ساختار نهادی در آموزش و پرورش می‌تواند ضمن تحقق برنامه‌ریزی منطقه‌ای و نیروی انسانی موجب دموکراسی مشارکتی در آموزش و پرورش شود. مشارکت نهادها

-
1. Mercer
 2. Monroe
 3. Roberts
 4. Zahirović Suhonjić

موجب کاهش هزینه‌ها می‌شوند و در عین حال، با درگیرکردن افراد جامعه، موجب ایجاد فضای اجتماعی قابلیت‌زا می‌شوند (هاشمیان، زندیان و آقامحمدی، ۱۳۹۴).

مشارکت بین آموزش و پرورش و سازمان‌ها می‌تواند به ایجاد فرصت‌های یادگیری واقعی، همچنین، تنظیم آموزش‌های بر اساس مشکلات واقعی جامعه کمک کند. در حالت ایده‌آل، مشارکت بین سازمان‌ها و آموزش و پرورش می‌تواند منجر به ایجاد یک برنامه سودمند شود که همه ذی‌نفعان را قادر به تلاش در جهت دستیابی به چشم‌انداز یا هدف مشترک کند. علاوه بر این، مشارکت آموزش و پرورش با محیط اجتماعی می‌تواند به آن کمک کند تا بتواند به عامل تغییر در جامعه تبدیل شود (ایمس^۱، ۲۰۱۸).

به طور کلی، مطالعه حوزه مشارکت در آموزش و پرورش نشان می‌دهد در واقع، تاکنون هیچ الگویی که مناسب برای تمامی نیازهای مشارکت در آموزش و پرورش باشد، وجود ندارد (حسینی، ۱۳۹۲)، که این خود از طرفی اهمیت طرح و نوآوری در آن است، از سوی دیگر، همان‌گونه که اشاره شد، نهاد آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد مدرن با کمترین تغییراتی به جوامع دیگر، از جمله کشور ایران، منتقل شده که با بسیاری از ویژگی‌های ساختاری، غیر ساختاری و فرهنگی ناسازگار بوده و نیاز به تدوین الگوی بومی در تمامی ابعاد آموزش و پرورش از جمله مشارکت نهادها و دستگاه‌ها لازم و ضروری است، همچنین، ارائه این طرح از طرف شورای عالی آموزش و پرورش به عنوان سازمان متولی تنظیم‌کننده سند تحول خود اهمیت و ضرورت این پژوهش را می‌رساند. بنابراین، هدف از این پژوهش تدوین الگوی مشارکت دستگاه‌ها و نهادها با نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی است.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه از نوع کیفی است که با استفاده از روش فراترکیب انجام شده است. استفاده از روش فراترکیب برای شناسایی عوامل کلیدی مرتبط مشارکت بدین صورت است که مشابه فراتحلیل، فراترکیب برای یکپارچه‌سازی چندین مطالعه برای ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری استفاده می‌شود.

از آنجا که بیشتر مقالات در زمینه عوامل کلیدی نحوه‌های مشارکت، کیفی و کمی هستند؛ از روش فراترکیب به عنوان روشی مناسب برای به دست آوردن ترکیب جامعی از این موضوع بر پایه ترجمه مطالعه‌های کمی و کیفی محدود استفاده شده است (کمالی، ۱۳۹۶). طی روش فراترکیب در این مقاله در مرحله اول، برای تنظیم سؤال پژوهش از پارامترهای مختلفی مانند جامعه مورد مطالعه، چه چیزی، چه موقع و چگونگی روش استفاده می‌شود. که در این تحقیق این سؤال که: روش‌ها یا نحوه‌های مشارکت سازمان‌ها و نهادها در آموزش و پرورش کدامند؟ مورد بررسی قرار گرفت. در گام دوم، محقق جست‌وجوی نظام‌مند خود را بر مقالات منتشرشده در ژورنال‌های مختلف متمرکز و واژگان کلیدی مرتبط را انتخاب می‌کند. حال برای پاسخگویی به سؤال مطرح‌شده در مرحله اول اجرای فراترکیب، محقق با استفاده از کلیدواژه‌های مشارکت در آموزش و پرورش، همکاری با آموزش و پرورش، دخالت در آموزش و پرورش، همکاری با مدارس، مشارکت در مدارس، در پایگاه‌های SID، Proquest و Emerald، Web of Science بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ بررسی کرد. در مرحله بعد محقق در هر بازبینی تعدادی از مقالات را رد می‌کنند، که این مقاله‌ها در فرایند فراترکیب مورد بررسی قرار نمی‌گیرند. در فرایند ارزیابی، پژوهشگر از میان ۱۵۰ مقاله، در نهایت، ۲۹ مقاله برای تجزیه و تحلیل اطلاعات باقی گذاشتند. در سراسر فراترکیب، پژوهشگر به طور پیوسته مقالات منتخب و نهایی‌شده را برای دستیابی به یافته‌های درون‌محتوایی مجزایی که در آن‌ها مطالعه‌های اصلی و اولیه انجام می‌شوند، چندین بار مرور می‌کند. در طول تجزیه و تحلیل، پژوهشگر موضوعاتی را جست‌وجو می‌کند که در میان مطالعه‌های موجود در فراترکیب پدیدار شده‌اند. این مورد به عنوان بررسی موضوعی شناخته می‌شود.

در پژوهش حاضر، ابتدا تمام عوامل استخراج‌شده از مطالعه‌ها به عنوان مؤلفه‌ها در نظر گرفته شده و سپس، با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از این کدها، آن‌ها را در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی کرده تا به این ترتیب مفاهیم پژوهش شکل داده شود. خلاصه مراحل بررسی و استخراج مؤلفه‌ها در جدول‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ نشان داده شده است.

جدول ۱. نمونه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مشارکت در آموزش و پرورش

مؤلفه شناسایی شده	شرح	محقق
مشارکت در ایجاد شبکه دانشی - مشارکت در پاسخگویی به تغییرات - مشارکت در نوآوری	نهادها و سازمان‌ها در فرایند نوآوری‌های فناورانه برای جلوگیری از آثار مخرب ناشی از تغییرات، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در کشورها خواهد داشت. به علاوه، نقش همکاری‌های نهادی همچنین، ایجاد شبکه‌ای دانشی در پاسخگویی به تغییرات محتمل و ایجاد نوآوری‌های فناورانه در این زمینه بسیار با اهمیت است.	چرتی ^۱ و همکاران (۲۰۱۲)
مشارکت در عملیات مدیریت - مشارکت در نظارت بر عملکرد مدیران - مشارکت در تدوین برنامه‌ها - مشارکت در پیاده‌سازی برنامه‌ها	مشارکت نهادهای مردمی در آموزش و پرورش با ایجاد مدیریت غیر متمرکز می‌تواند در قالب کمک به عملیات مدیریت مدرسه، نظارت بر اعمال مدیران، کمک به تدوین برنامه‌های رسمی و غیر رسمی صورت گیرد. آن‌ها همچنین می‌توانند با بسیج منابع در فرموله‌سازی و پیاده‌سازی برنامه‌ها نیز همکاری و مشارکت داشته باشند.	پاراجولی ^۲ (۲۰۰۷)
مشارکت مالی	یکی از مکانیزم‌های مهم و مؤثر در توسعه همه‌جانبه آموزش و پرورش کشورهای درحال توسعه و توسعه‌نیافته بازکردن جنبه‌های مشارکت‌های مالی بین‌المللی است. منابع مالی به عنوان شاهرگ اساسی در اجرای برنامه‌های آموزش و پرورش به حساب می‌آیند.	GPE ^۳ (۲۰۱۴)

جدول ۲. نمونه مفاهیم استخراج‌شده (مرحله دوم)

مفاهیم استخراج‌شده (مرحله دوم)	محقق	کد محقق
مشارکت در ایجاد شبکه دانشی؛ ۲. مشارکت در پاسخگویی نسبت به عملکرد؛ ۳. مشارکت در نوآوری.	چرتی و همکاران (۲۰۱۲)	۱
۴. مشارکت در عملیات مدیریت؛ ۵. مشارکت در نظارت بر عملکرد مدیران؛ ۶. مشارکت در تدوین برنامه‌ها؛ ۷. مشارکت در پیاده‌سازی برنامه‌ها.	پاراجولی ^۴ (۲۰۰۷)	۲

1. Chhetri
2. Parajuli
3. Global Partnership for Education
4. Parajuli

کد محقق	محقق	مفاهیم استخراج شده (مرحله دوم)
۳	کومار ^۱ (۲۰۱۶)	۹. مشارکت در ارائه خدمات مالی؛ ۱۰. مشارکت در مدیریت کارکنان؛ ۱۱. مشارکت در برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت؛ ۱۲. مشارکت در پاسخگویی؛ ۱۳. مشارکت در ارتباط با جامعه.
۴	رابرتز (۲۰۱۸)	۱۴. مشارکت مالی و بودجه‌ای؛ ۱۵. مشارکت تحقیقاتی؛ ۱۶. مشارکت فنی.
۵	هاوارد و ویلیامز ^۲ (۲۰۱۷)	۱۷. مشارکت در فراهم کردن امکانات؛ ۱۸. مشارکت در ارزیابی تکوینی؛ ۱۹. مشارکت در توسعه کارکنان.
۶	هوپ ^۳ (۲۰۱۲)	۲۰. مشارکت در تخصیص بودجه
۷	آشفورد، دانکن و گاث ^۴ (۲۰۱۵)	۲۱. مشارکت در تغییرات و برخورد با تغییرات.
۸	زاهرویچ - سونوجیک و همکاران (۲۰۱۹)	۲۲. مشارکت ر جبران خسارات؛ ۲۳. مشارکت در تأمین و پرورش نیروی انسانی.
۹	قاسمی پویا (۱۳۸۳)	۲۴. مشارکت در ساخت و ساز؛ ۲۵. مشارکت در امور مالی و اداری؛ ۲۶. مشارکت در ارزشیابی؛ ۲۷. مشارکت در تنظیم کتب درسی؛ ۲۸. مشارکت در حوزه فناوری و تکنولوژی.
	مجموع کدها	۹۱

همان طور که در جدول‌های ۱ و ۲ مشاهده می‌شود، در مجموع، در بررسی ۲۹ مقاله و منبع مرتبط با موضوع مشارکت، به طیف وسیعی از مؤلفه‌های لازم در رابطه با انواع مشارکت در آموزش و پرورش اشاره شده است. پس از مرحله اول کدگذاری باز، پژوهشگر کدهای باز استخراج شده (۱۲۰ کد) در مرحله اول کدگذاری باز را در یک فرایند مکرر با یکدیگر مقایسه و بازبینی فراوان آن‌ها و برقراری ارتباط منطقی بین کدهای باز، تعداد کدهای باز، بعد از حذف کدهای تکراری، در گام دوم کدگذاری باز به ۱۲۳ کد رسید. در مرحله بعد پژوهشگر با توجه به ماهیت این ۹۱ کد باز به دست‌آمده از گام دوم کدگذاری باز و ارتباط مفهومی آن‌ها با یکدیگر، به مقوله‌بندی آن‌ها در مرحله اول کدگذاری محوری پرداخت.

-
1. Kumar
 2. Howard & Williams
 3. Hoop
 4. Ashford, Duncan & Guth

مفاهیم	مقوله اولیه	مقوله ثانویه	کد محققان	فراوانی
۸۲. مشارکت در مدیریت مدارس؛ ۷۵. مشارکت در بهره‌برداری؛ ۶۸. مشارکت در آموزش و تدریس؛ ۴۷. مشارکت در فراهم‌سازی تجهیزات؛ ۴۵. مشارکت در اجرا؛ ۳۶. مشارکت در ارائه آموزش ایمن؛ ۳۷. مشارکت در نگهداری از فراگیران؛ ۳۲. مشارکت در هماهنگ‌سازی فرایندها؛ ۲۴. مشارکت در ساخت و ساز؛ ۴. مشارکت در عملیات مدیریت؛ ۷. مشارکت در پیاده‌سازی برنامه‌ها.	مشارکت مدیریتی	مشارکت در پیاده‌سازی برنامه‌ها	۲۶-۲۳- ۲۲-۱۵- ۱۳-۱۱- ۱۰-۶-۴- ۲	۱۰
۵. مشارکت در نظارت بر عملکرد مدیران؛ ۱۸. مشارکت در ارزیابی تکوینی؛ ۳۴. مشارکت در نظارت و توانبخشی؛ ۵۲. مشارکت در نظارت بر روند اجرای برنامه؛ ۶۵. مشارکت در نظارت و پیگیری امور مدرسه؛ ۷۸. مشارکت در اندازه‌گیری و ارزیابی برنامه‌ها.	مشارکت در ارزیابی عملکرد	مشارکت در ارزشیابی	۲-۶-۱۰- ۱۱-۱۷- ۲۱-۲۴	۷
۸۵. مشارکت در تربیت نیروی انسانی؛ ۴۹. مشارکت در آموزش معلمان؛ ۷۶. مشارکت در بهبود سرمایه انسانی؛ ۶۴. مشارکت در استخدام نیروی انسانی؛ ۳۵. مشارکت در پشتیبانی منابع انسانی؛ ۲۳. مشارکت در تأمین و پرورش نیروی انسانی؛ ۱۹. مشارکت در توسعه کارکنان؛ ۹۱. مشارکت در مدیریت کارکنان؛ ۶۲. مشارکت در تقویت روحیه کارکنان.	مشارکت در جذب نیروی انسانی	مشارکت در پرورش نیروی انسانی	۲۶-۱۶- ۲۴-۲۱- ۱۲-۹-۶- -۲۸	۹
مشارکت در نوآوری؛ ۱۵. مشارکت تحقیقاتی؛ ۸۱. مشارکت در نوآوری خدمات؛ ۷۳. مشارکت در رفع مشکلات؛ ۷۷. مشارکت در مدیریت ریسک؛ ۵۸. مشارکت در شناسایی فرصت‌ها؛ ۸۴. مشارکت در اصلاح اهداف و قوانین؛ ۸۶. مشارکت در اصلاح و بازتدوین مواد آموزشی؛ ۲۷. مشارکت در تنظیم کتب درسی؛ ۸۸. مشارکت در تولید محتوا.	مشارکت در مدیریت بحران و ریسک	مشارکت در نوآوری	۸-۵-۲۵- ۲۲-۲۴- ۱۹-۲۱- ۲۶-۱۰- ۲۷	۱۰
۱۶. مشارکت فنی؛ ۲۸. مشارکت در حوزه فناوری و تکنولوژی؛ ۵۳. مشارکت در یکپارچه‌سازی فناوری و تکنولوژی؛ ۵۴. مشارکت در توسعه زیرساخت‌های آموزشی و دیجیتال.	مشارکت در توسعه فناوری نوین	مشارکت در توسعه تکنولوژی	۵-۱۰- ۱۸-۱۸	۴
مجموع	۶۷	۲۰	۹	۹۱

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود بررسی‌ها در زمینه با نحوه مشارکت سازمان‌ها در آموزش و پرورش نشان می‌دهد در نهایت، پس از بررسی مقولات اولیه و ثانویه در نهایت، ۹ شیوه کلی مشارکت در آموزش و پرورش شناسایی شد که شامل مشارکت در توسعه تکنولوژی، مشارکت تحقیق و توسعه، مشارکت در منابع انسانی، مشارکت در ارزشیابی، مشارکت در پیاده‌سازی، مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در پاسخگویی، مشارکت مالی، و مشارکت اطلاعاتی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت اجزای مختلف جامعه با آموزش و پرورش نقشی مهم در رسیدن سیستم آموزشی به اهداف خود دارد. این رابطه، رابطه‌ای دوطرفه است و اغلب بازیگران در سیستم آموزشی از روابط خود منفعت نیز می‌برند (گروس، ۲۰۱۵). در کشوری مانند ایران با توجه به وجود جمعیت بالای دانش‌آموز از یک‌سو و پراکندگی جغرافیای مناطق، این ارگان همواره از نظر کمی و کیفی با مشکل رو به رو بوده است و این امر نیاز آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نظام اجتماعی به مشارکت و همکاری را نشان می‌دهد (صالحی عمران و حسن‌زاده بارانی کرد، ۱۳۹۴). همان‌گونه که در مقدمه نیز اشاره شد، مشارکت در آموزش و پرورش ابعاد گسترده‌ای دارد و از همان ابتدای تدوین سند تحول بنیادین به مشارکت به عنوان یک ضرورت نگریسته شده است و در سند تحول به مشارکت نهادهای دولتی و مردمی برای پیشبرد اهداف تأکید شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). اما همان‌گونه که بررسی‌ها نشان دادند، در حوزه مشارکت نیز مانند بسیاری از حوزه‌ها در سند تحول هیچ‌الگویی که مناسب برای تمامی نیازهای مشارکت در آموزش و پرورش باشد، وجود ندارد (حسنی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال بود که الگوی مشارکت در آموزش و پرورش دارای چه ابعادی است؟ به عبارت دیگر، سازمان‌ها و نهادها به چه شکلی با نظام تعلیم و تربیت همکاری می‌توانند داشته باشند.

در پاسخ به سؤال یادشده از روش فراترکیب استفاده شد و پس از پایش و جست‌وجوی موضوع مشارکت در حوزه آموزش و پرورش در پایگاه‌های علمی، سند انتخاب و در بررسی‌های چکیده‌ای و محتوای در نهایت، ۲۹ مقاله در این زمینه تحلیل شد و در نهایت، ۲۰ زیرمقاله در زمینه نحوه

مشارکت در آموزش و پرورش به دست آمد که با بررسی دقیق روابط بین آن‌ها، و تقلیل آن‌ها در مقولات کلی تر ۹ مقوله اصلی به دست آمد که این ۹ مقوله همان نحوه‌های مشارکت سازمان‌ها و نهادها در نظام تعلیم و تربیت می‌باشند که شامل مشارکت در توسعه تکنولوژی، مشارکت تحقیق و توسعه، مشارکت در منابع انسانی، مشارکت در ارزشیابی، مشارکت در پیاده‌سازی، مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در پاسخگویی، مشارکت مالی، و مشارکت اطلاعاتی بود.

نظام تعلیم و تربیت دارای شرکای بسیاری در خارج و داخل سیستم آموزشی است و هر یک از این نهاد یا سازمان‌ها می‌توانند در یک یا چند گونه از ابعاد مشارکت شناسایی شده در این تحقیق با آموزش و پرورش مشارکت داشته باشند. این یافته با یافته‌های فورسبرگ^۱ (۲۰۱۹)، لسکوویا^۲ و همکاران (۲۰۱۹)، هاشمیان، زندیان و آقامحمدی (۱۳۹۴)، اندرسون، هوسر، هاوولد^۳ (۲۰۱۰)، بریک^۴ (۲۰۱۰)، مک آلیستر^۵ (۲۰۱۳)؛ سایلور و راجرز^۶ (۲۰۰۵)، متین (۱۳۹۱)، و صالحی عمران و حسن‌زاده بارانی کرد (۱۳۹۴) همسو است.

در تحقیق حاضر طبق یافته‌های یکی از نحوه‌های مشارکت در آموزش و پرورش مشارکت مالی بود. این نوع از مشارکت در صورت‌های گوناگون از قبیل مشارکت در ارائه خدمات مالی، مشارکت در جبران خسارات، مشارکت مادی، مشارکت در کاهش هزینه‌ها و.. می‌تواند رخ دهد. هوب (۲۰۱۷)؛ رابرتز (۲۰۱۸) و کومار (۲۰۱۶) این نوع از مشارکت را عامل مهم در رفع بی‌عدالتی در مناطق کمتر توسعه یافته می‌دانند به عقیده آن‌ها در کشورهای در حال توسعه سازمان‌ها با قراردادن بخشی از منابع مالی خود چه به عنوان مالیات و چه کمک‌های بودجه‌ای در اختیار آموزش و پرورش می‌توانند گامی مهم در توسعه مناطق روستایی بردارند. زاهیریچ-سونوجیک و همکاران (۲۰۱۹) نیز معتقدند کمک مالی به آموزش و پرورش تنها مختص به کمک‌های مردمی نباید باشد و دولت مرکزی همواره باید سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی را مجاب به کمک‌های مالی در قالب‌های مختلف

-
1. Forsberg
 2. Lescevic
 3. Anderson, Houser & Howland
 4. Bryk
 5. Mac Alister
 6. Sailor & Roger

به آموزش و پرورش کند. در تحقیقات داخلی نیز از جمله متین (۱۳۹۱)، جهانیان (۱۳۸۹)، فاضلی‌راد (۱۳۹۷)، و نیکجو، جباری بیرامی و دادگر (۱۳۹۰) به مشارکت مالی در آموزش و پرورش اشاره گردیده است.

جنبه بعدی مشارکت که در تحقیق حاضر شناسایی شده است، مشارکت اطلاعاتی بود. همان طور که اشاره شد در حال حاضر اطلاعات قلب تپنده هر سازمان به حساب می‌آیند. بدون داشتن اطلاعات یک سازمان در برنامه‌ریزی و گرفتن بازخورد و همچنین، شناسایی نقاط قوت و ضعف دچار مشکل خواهد شد. در سند توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش (۱۳۸۶) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) توجه به رابطه آموزش و پرورش با رسانه‌ها به عنوان یک ابزار اطلاع‌سانی مورد توجه قرار گرفته است و بیان شده است در راستای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدرسه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مشارکت و همکاری لازم را در خصوص فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی در چارچوب مفاد این سند با وزارت آموزش و پرورش به عمل آورند. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای اجرای برنامه‌های پیشنهادی آموزش و پرورش همکاری و هماهنگی‌های لازم را در استفاده از ظرفیت‌های علمی، تصویب برنامه‌های آموزشی فاوا و استفاده کارآمد از آن در دوره‌های آموزشی تربیت معلم و تربیت دبیر، با وزارت آموزش و پرورش به عمل آورد.

همان طور که گفته شد، اطلاعات زیربنای اصلی در برنامه‌ریزی به شمار می‌آید. مشارکت در برنامه‌ریزی به عنوان بعد دیگر شناسایی شده در این تحقیق است. در این زمینه چرتی و همکاران (۲۰۱۲)، پاراجولی (۲۰۰۷)، کومار (۲۰۱۶)، آشفورد (۲۰۰۹)، و دابا^۱ (۲۰۱۰) به نتایج یکسان دست یافته‌اند و معتقدند روند رو به رشد جوامع در همکاری با آموزش و پرورش برای اثربخشی در عملکرد آن باعث شده است، سازمان‌ها به مشارکت‌های مبتنی بر برنامه روی آورند.

مشارکت بعدی که پس از مشارکت در برنامه‌ریزی در این تحقیق شناسایی شد، مشارکت در

پیاپی سازی و اجرای برنامه است، در تحقیقاتی که در پژوهش حاضر بررسی شد، در اکثر مواقع مشارکت در اجرا و مشارکت در برنامه ریزی با یک دیگر مطرح شده بودند (برای مثال، گاردنر^۱، ۲۰۱۱؛ چارنیا و دیویس^۲، ۲۰۱۶؛ متین، ۱۳۹۱). هاوارد و ویلیامز (۲۰۱۷) مشارکت در روند اجرای برنامه را عمل مؤثر در فراهم کردن اقلام مورد نیاز و همچنین، یکپارچه اجرا شدن برنامه می دانند. در سند برنامه درسی (۱۳۹۱) در زمینه مشارکت در اجرا این چنین آمده است که فرایند برنامه ریزی درسی و تربیتی باید زمینه مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش آموزان، خانواده ها و سایر گروه های ذینفع، ذیربط و ذی صلاح را در طراحی، تولید، اجرا برنامه ها فراهم کند. مراکز یادگیری در اجرای آموزش ها می توانند خارج از مدرسه و با مشارکت بخش دولتی و غیر دولتی تشکیل شوند و وزارت آموزش و پرورش موظف است از مشارکت حداکثری خانواده ها، دستگاه های فرهنگی، هنری، خدماتی، مذهبی، تولیدی و... برای طراحی و اجرای برنامه ها و فعالیت های خارج از کلاس و مدرسه، استفاده کند. فلیپس^۳ (۲۰۱۰) مشارکت در ارزشیابی را یکی از جنبه های مهم همکاری سازمان ها با نظام آموزشی می داند و معتقد است ارزشیابی همواره چه در ابتدا و چه در روند و چه در پایان هر برنامه مورد تأکید بوده است. ارزشیابی به سازمان ها در تشخیص میزان تحقق اهداف و فاصله با وضع مطلوب کمک می کند. مشارکت در ارزشیابی می تواند در توافق نامه های مدیریتی بین آموزش و پرورش و سازمان ها گنجانده شود و مشارکت مؤثر می تواند برنامه مؤثر برای اندازه گیری و ارزیابی برنامه ها تدوین کند. آن ها برنامه ریزان را به اجرای برنامه ها متعهد خواهند کرد. همچنین، گاردنر (۲۰۱۱) بیان می کند برای رسیدن به غایت نهایی مشارکت ما در چهار فرایند اساسی یعنی هدف گذاری، برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه ها باید مشارکت داشته باشیم و مشارکت در ارزیابی زمانی تحقق می یابد که مشارکت کنندگان در طول دوره اجرا، ارزیابی مداوم از فرایندها داشته باشند. هاوارد و ویلیامز (۲۰۱۷) این نوع ارزیابی تکوینی برنامه توسط مداخله گران سازمانی را عامل مهم در به یکپارچه اجرا شدن برنامه می داند.

-
1. Gardner
 2. Charania & Davis,
 3. Phillips

یکی از مهمترین منابع هر سازمان، منابع انسانی آن سازمان می‌باشند، به‌خصوص در سازمانی مانند آموزش و پرورش که به عنوان نهاد فرهنگی شناخته می‌شود. مشارکت در تأمین و پرورش منابع انسانی یکی دیگر از جنبه‌های مهم مشارکت در آموزش و پرورش شناخته شده و می‌شود. در این زمینه زاهیریوچ-سونوجیک و همکاران (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که در تأمین منابع نکته دیگر همکاری سازمان‌ها در تأمین منابع انسانی و پرورش نیروی انسانی موثر و کارآمد برای سیستم آموزشی است. بریور و بسویک^۱ (۲۰۱۶) نیز با تأیید این یافته، مشارکت جوامع محلی را پشتیبان خوبی برای آموزش و معلمان باشند. اسمیت^۲ (۲۰۱۶) آموزش معلمان و نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش را یک مسئولیت جمعی می‌داند و معتقد است آموزش و پرورش باید در این زمینه به شرکای خود نزدیکتر شود. در این زمینه، اتحادیه اروپا رویکرد آموزش معلمان را رویکردی میان‌رشته‌ای می‌داند به طوری که سایر مؤسسات نیز باید آموزش معلمان را بخشی از وظایف خود بدانند. این مشارکت‌ها می‌توانند در قالب دیگر به صورت حمایت از معلمان در تدریس صورت گیرد. از دیگر مطالعات در این زمینه می‌توان به مطالعات شکاک^۳ (۲۰۱۳) و دابا (۲۰۱۰) اشاره کرد. بعد دیگر مشارکت سازمان‌ها با آموزش و پرورش که در این تحقیق شناسایی شد مشارکت در پاسخگویی بود. آموزش و پرورش سازمانی است که با گروه وسیعی از ذی‌نفعان سرو کار دارد و باید به آن‌ها پاسخگو باشد. مشارکت در پاسخ‌گویی می‌تواند در قالب‌های و شکل‌های مختلف صورت گیرد. برای مثال، مشارکت در قالب قراردادهای مدیریتی برای پاسخگویی به بخشی از وظایف آموزش و پرورش، در این نوع مشارکت از پتانسیل‌های بخش خصوصی برای ایجاد بهره‌وری و پاسخگویی بهتر به ذی‌نفعان بهره گرفته می‌شود (کومار، ۲۰۱۶؛ نیکجو و همکاران، ۱۳۹۰). در برخی موارد برخی از سازمان‌ها می‌توانند در پاسخگویی و مدیریت ریسک با آموزش و پرورش همکاری داشته باشند (فلیپس، ۲۰۱۰).

و در پایان، دو جنبه دیگر از مشارکت در آموزش و پرورش در قالب مشارکت در توسعه تکنولوژی و مشارکت در تحقیق و توسعه بود. در این زمینه برخی محققان مشارکت نهادها و

1. Brewer & Beswick
2. Smith
3. Schuck

سازمان‌ها را با نظام آموزشی در فرایند نوآوری‌های فناورانه برای جلوگیری از آثار مخرب ناشی از تغییرات، بسیار مؤثر می‌دانند. این مشارکت باعث ایجاد شبکه دانشی در پاسخگویی به تغییرات محتمل و ایجاد نوآوری‌های فناورانه در این زمینه می‌شود (چرتی و همکاران، ۲۰۱۲). محققان دیگر از بعد هزینه‌ای به این امر نگریسته‌اند و معتقدند از آنجا که تحقیقات هزینه‌بر هستند، آموزش و پرورش می‌تواند با مشارکت دادن نهادهای مسئول در این زمینه هزینه‌ها را تا حد زیادی کاهش دهد (شاک، ۲۰۱۶). از نظر مشارکت تکنولوژیکی مشارکت آموزش و پرورش و سازمان‌ها می‌تواند به مدارس در یکپارچه‌سازی فناوری‌های و تکنولوژی‌ها کمک کند. این مشارکت می‌تواند در قالب مشارکت در توسعه زیرساخت‌های آموزشی و کاهش شکاف دیجیتالی صورت بگیرد. کما اینکه این نوع مشارکت در در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ در هند اجرا شد سازمان‌های غیر دولتی با فراهم کردن امکانات دیجیتالی و تکنولوژیکی در مدارس مناطق محروم به گسترش آموزش و رفع بی‌عدالتی‌ها کمک کردند (چارانیا و دیویس، ۲۰۱۶).

در تبیین نتیجه در این تحقیق باید گفت مسائل آموزشی بنا بر ماهیت خود، خاستگاه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارند و با توجه به این امر که آموزش و پرورش نظامی باز است و عوامل گوناگون بر آن اثر می‌گذارد، باید نحوه اثرگذاری هر یک از این عوامل شناسایی شود و بهترین نحوه همکاری و مشارکت برای آن‌ها تعیین شود، چرا که برای رشد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... رشد و بالندگی آموزش و پرورش الزامی است و بدین ترتیب مشارکت نهادها و سازمان‌های گوناگون نیز برای اجرای این امر ضروری است (هاشمیان، زندیان و آقامحمدی، ۱۳۹۴). ضرورت توسل به مشارکت در امور آموزش و پرورش چیزی نیست که فقط به هنگام مواجهه با مشکلات مالی، به آن رو آوریم بلکه توسعه و به تبع آن، توسعه آموزش و پرورش ذات مشارکت جویانه دارد و در هر زمان و در هر شرایط تحقق واقعی تعلیم و تربیت جز به مشارکت عناصر تشکیل‌دهنده آن صورت نمی‌پذیرد (مؤمنی و موسوی‌زاده، ۱۳۹۴). در نهایت، با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهاد می‌شود، وزارت آموزش و پرورش کار گروهی را برای پایش سازمان‌های جامعه به منظور شناسایی و پایش بهترین نحوه مشارکت آن‌ها با این سازمان، ایجاد کند. پیشنهاد می‌شود بر

اساس نتایج تحقیق حاضر و سایر پژوهش‌های صورت گرفته تغییرات لازم در حوزه مشارکت سازمانی و ارتباطات در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان مهمترین سند آموزشی کشور صورت گیرد. اجرای یک برنامه مشارکت بین سازمانی نیاز به محیطی توانمند با خط‌مشی مناسب و چارچوب‌های قانونی دارد که پیشنهاد می‌شود مجلس شورای اسلامی با استفاده از اختیاراتی که در دست دارند، ظرفیت‌های لازم در این زمینه را فراهم کنند، و در نهایت، پیشنهاد می‌شود نظام‌نامه اخلاقی یا منشور اخلاقی، در سازمان‌های کشور نسبت به پایبندی به مشارکت با آموزش و پرورش، تدوین و راه بیش از پیش برای مشارکت با آموزش و پرورش هموار شود.

در ادامه، هر پژوهشی با محدودیت‌هایی رو به رو است که خواه و ناخواه بر کمیت و کیفیت آن تأثیرگذار است، این تحقیق نیز با محدودیت‌هایی مواجه بوده است: در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های صرفاً از اسناد چاپ‌شده استفاده شده است، در حالی که استفاده از چند منبع مانند مصاحبه، مشاهده و... می‌تواند باعث غنای بیشتر پژوهش شود. همچنین، تحقیقات داخلی انجام‌شده در زمینه تحقیق مورد نظر بسیار اندک یا تکراری بود و بررسی منابع لاتین در حوزه مورد نظر در برخی زمینه‌ها با سیستم آموزشی ایران تطابق یا سازگاری نداشت که این امر موجب کنارگذاشتن این منابع از دایره بررسی محتوایی شد.

منابع

- بذرافشان مقدم، مجتبی، شوقی، مریم، و رحمان‌خواه، رحیم (۱۳۹۴). جایگاه نظارت تعلیماتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *پژوهش‌نامه مبتنی تعلیم و تربیت*، ۵(۲)، ۴۳-۲۳.
- پیروانی‌نیا، پونه، و پیروانی‌نیا، پگاه (۱۳۹۲). تحلیل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر میزان اهمیت به یادگیری سازمانی. *یادگیری الکترونیک*، ۴(۳)، ۵۰-۴۰.
- جهانیان، رمضان (۱۳۸۹). بررسی راه‌های ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش. *اندیشه‌های نوین در علوم تربیتی*، ۵(۳)، ۵۸-۴۶.
- حسینی، محمدحسن (۱۳۹۲). بهره‌وری سرمایه انسانی آموزش و پرورش با مشارکت معلمان در اداره مدرسه. *دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه تهران*، زمستان ۱۳۹۴.
- رهبری، مهدی، بلباسی، میثم، و قربی، محمدجواد (۱۳۹۴). هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات ملی*، ۶۱(۱۶)، ۵۶-۴۰.
- صالحی عمران، ابراهیم، و حسن‌زاده بارانی کرد، سودابه (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت مردم در ساخت فضاهای آموزشی. *مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۳، ۵۸-۳۹.
- صفار حیدری، حجت، و حسین‌نژاد، رزا (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۱، ۴۹-۷۲.
- غلامزاده نیکجو، رعنا، جباری بیرامی، حسین، و دادگر، الهام (۱۳۹۰). بررسی مدون انواع مشارکت‌های دولتی و خصوصی در بیمارستان‌های دولتی. *همایش ملی خصوصی‌سازی ایران*، خردادماه.
- فاضلی‌راد، مسعود (۱۳۹۷). اهمیت نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه آموزش و پرورش. *سومین کنفرانس ملی دانش و فناوری در روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی ایران*، تهران، ۱۳۹۷.
- فاطمی امین، گلناز سادات، و فاطمی امین، سید رضا (۱۳۹۴). تحلیل ساختار سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت‌ماه*، تهران.

قاسمی پویا، اقبال (۱۳۸۳). مشارکت مردمی در آموزش و پرورش. چاپ دوم، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

قمصری، علیرضا، و رضائی، معصومه (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۳(۴)، ۷۲۱-۷۲۶.

متین، نعمت‌الله (۱۳۹۱). ضرورت مشارکت در آموزش و پرورش. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۳(۲)، ۱۴۳-۱۷۶.

مخبر دزفولی، محمدرضا (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی آموزش و پرورش.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه امام. تهران: انتشارات آثار امام خمینی ره.. مؤمنی، حسن، و موسوی‌زاده، سید فتح‌الله (۱۳۹۴). نقش و اهمیت مشارکت در نظام آموزشی. پیوند، ۴۴۳، ۲۲-۲۹.

نوید ادهم، مهدی (۱۳۹۱). الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش. راهبرد فرهنگ، ۱۸، ۳۲۳-۲۹۵.

هاشمی، شهناز (۱۳۹۳). نقش رسانه در نظام تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. رسانه، ۹۷، ۵-۱۸.

هاشمیان، فخرسادات، زندیان، هادی، و آقامحمدی، جواد (۱۳۹۴). تحلیل مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۲(۳)، ۲۶-۱.

هدایتی، فرشته، و رحمت‌الله، خوارزمی (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجرای برنامه‌های سند تحول آموزش و پرورش بر اساس مبانی مدیریت تحول سازمانی. مهندسی مدیریت، ۸(۶۵)، ۴۵-۶۰.

Anderson, J., Houser, J., & Howland, A. (2010). The full purpose partnership model for promoting academic and socio-emotional success in schools. *School Community Journal*, 20(1), 31-53.

Ashford, C., Duncan, N., & Guth, J. (Eds.). (2015). *Perspectives on legal education: contemporary responses to the lord upjohn lectures*. Routledge.

Ashford, R. A. (2009). Negotiating donor participation in the Sri Lankan educational sector. *Comparative Education Review*, 53(3), 355-378.

Brewer, D., & Beswick, K. (2016). Confronting educational disadvantage by improving

- tasmanian adolescents' participation in education. In *What is next in educational research?* (pp. 107-118), Brill Sense.
- Bryk, A. S. (2010, April). Organizing schools for improvement. *Kappan Magazine*, 91(7), 23-30.
- Charania, A., & Davis, N. (2016). A smart partnership: Integrating educational technology for underserved children in India. *Educational Technology & Society*, 19(3), 99-109.
- Chhetri, N., Chaudhary, P., Raj Tiwari, P., & Yadaw, R. (2012) Institutional and technological innovation: Understanding agricultural adaptation to climate change in Nepal; *Applied Geography*, 33, 142-150.
- Daba, O. T. (2010). *Decentralization and community participation in education in Ethiopia: A case of three Woredas in Horro Guduru Wollaga zone of Oromia national regional state*, Master's Thesis.
- Eames, C. W., & DePetris, T. (2018). *A collaborative community education model: Developing effective school-community partnerships*.
- Falk, J. H., Dierking, L. D., Osborne, J., Wenger, M., Dawson, E., & Wong, B., (2015). Analysing science education in the United Kingdom: Taking a system-wide approach. *Science Education*, 99, 145-173.
- Forsberg, S. (2019). Setting a global agenda of education: Cooperation and tension within the global education policy field. *Geoforum*, 100, 32-40.
- Gardner, D. C. (2011). Characteristic Collaborative Processes in School-University Partnerships. *Planning and Changing*, 42, 63-86.
- Gross, J. (2015). Strong School-Community Partnerships in Inclusive Schools Are Part of the Fabric of the School... We Count on Them. *School Community*, 25(2), 9-34.
- Hoop, J. (2012). People power for education: Civil society participation in the Philippine educational politics. In *Campaigning for "Education for all"* (pp. 31-50). Brill Sense.
- Howard, P. B., & Williams, T. E. (2017). An academic-practice partnership to advance DNP education and practice. *Professional Nursing*, 33(2), 86-94.
- Kovačević, J., Mujkić, A., & Kapo, A. (2020). Examining school leadership in a transitional context: A mixed-methods study of leadership practices and school cultures as mechanisms of educational change. *Educational Management Administration & Leadership*, 35-59
- Kovačević, J., Mujkić, A., & Kapo, A. (2020). Examining school leadership in a transitional context: A mixed-methods study of leadership practices and school cultures as mechanisms of educational change. *Educational Management Administration & Leadership*, 1741143220971286.
- Kumari, J. (2016). Public-private partnerships in education: An analysis with special reference to Indian school education system. *Educational Development*, 47, 47-53.
- Lescevic, M., Zamuele, A., Zake, M., & Jirgensons, J. (2019). Minimizing migration: Modeling of Latvian diaspora's involvement in cooperation with education and science, and governmental institutions, businesses and society. *Procedia Computer Science*, 149, 483-490.
- McAlister, S. (2013). Why community engagement matters in school turnaround. *Voices in Urban Education*, 36, 35-41.

- Mercer, M. (2014). Donor policies, practices and investment priorities in support of education, and post-2015 prospects: A review. *International Journal of Educational Development*, 39, 23-31.
- Monroe, M. C., Ballar, H. L., Oxarart, A., Sturtevant, P. J. J., & Evans, E. R. (2016). Agencies educators, communities and wildfire: Partnerships to enhance environmental education for youth. *Environmental Education Research*, 22, 1098–1114.
- Parajuli, M. N. (2007). People's participation in school governance? Realities of educational decentralization in Nepal. In *School decentralization in the context of globalizing governance* (pp. 195-211). Springer, Dordrecht.
- Phillips, K. P. A. (2010). Unfolding opportunities: a baseline study of school business relationships in Australia, final report. *Department of Education, Employment and Workplace Relations*.
- Roberts, K. J. (2018). Community engagement in Indian higher education: financial and partnership trends. *Educational Development*, 58, 95-105.
- Sailor, W., & Roger, B. (2005). Rethinking inclusion: Schoolwide applications. *Phi Delta Kappan*, 86(7), 503–509.
- Schuck, S. (2013). The opportunities and challenges of research partnerships in teacher education. *The Australian Educational Researcher*, 40(1), 47-60.
- Smith, K. (2016). Partnerships in teacher education-going beyond the rhetoric, with reference to the Norwegian context. *.cepsj Journal*, 6(3), 17-36.
- Tess, P. A. (2013). The role of social media in higher education classes (real and virtual)– A literature review. *Computers in Human Behavior*, 29(5), A60-A68
- Xu, P., & Luo, F. (2020, November). Investing a Better Future: Education for Sustainable Development as a Means to Strengthen the Environmental Education. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 576, No. 1, p. 012011). IOP Publishing.
- Zahirović Suhonjić, A., Despotović-Zrakić, M., Labus, A., Bogdanović, Z., & Barać, D. (2019). Fostering students' participation in creating educational content through crowdsourcing. *Interactive Learning Environments*, 27(1), 72-85.